



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۶/۰۶/۱۶

ملک ستیز

تجربه ملتها میراث مشترک بشری است

در اوج جنگ امریکا و اسرائیل علیه ایران، در برنامه «دیدگاه» با یکی از تحلیلگران سیاسی ایرانی که بهطور کامل و با احساسات گرم از حملات امریکا و اسرائیل به ایران حمایت می‌کرد، وارد بحث و گفتگو شدم. در آنجا از تجربه افغانستان سخن گفتم و تأکید کردم که مردم ایران نباید سرنوشت خود را به قدرت‌های خارجی گره بزنند. استدلال من این بود که اگر تغییر از درون جامعه و از میان مردم برنخیزد و به دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نینجامد، اتکا به بمب‌افکن‌ها و مداخله خارجی نه تنها آزادی به ارمان نمی‌آورد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بی‌ثباتی، آشوب و بحران‌های عمیق‌تر شود.

آن تحلیلگر در پاسخ به من گفت که نباید با ایرانیان درباره سرنوشت ایران سخن بگویم. من به نظر ایشان احترام می‌گذارم، اما معتقدم تجربه ملتها میراث مشترک بشری است. همان‌گونه که دیگران درباره افغانستان سخن گفته‌اند، ما نیز حق داریم از رنج‌ها، شکست‌ها و درس‌هایی که از تاریخ خود آموخته‌ایم سخن بگوییم.

افغانستان بهای سنگینی برای امید بستن به راحل‌های بیرونی پرداخت. از همین رو، وقتی درباره ایران سخن می‌گویم، نه از موضع تعیین تکلیف برای مردم آن کشور، بلکه از جایگاه کسی سخن می‌گویم که ویرانی‌ها، وعده‌های بزرگ و پیامدهای تلخ مداخلات خارجی را از نزدیک دیده است.

امیدوارم آن دوست تحلیلگر این متن را بخواند و بداند که هشدار دادن درباره پیامدهای جنگ و مداخله خارجی، دخالت در سرنوشت دیگران نیست، بلکه یادآوری تجربه‌ای است که یک ملت هزینه آن را با خون، رنج و سرنوشت خویش پرداخته است.

ترامپ گفت رژیم را تغییر می‌دهیم و آزادی می‌آوریم.

گفت به جاده‌ها بروید و جان خود را سپر کنید، ما در کنار شما ایستاده‌ایم.

گفت مراکز هسته‌ای و تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم را نابود می‌کنیم.

گفت راکت‌های دوربرد را که تهدیدی برای اسرائیل، اروپا و امریکا هستند، از میان برمی‌داریم.

گفت شبکه‌های نیابتی شما را در سراسر خاورمیانه نابود می‌کنیم.

گفت زنان را به آزادی‌شان می‌رسانیم و حکومتی برپا می‌کنیم که پاسدار حقوق و ارزش‌های آنان باشد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

گفت تنگه هرمز را از هرگونه تهدید و مداخله رها می‌سازیم و آن را به گذرگاهی امن برای جهان تبدیل می‌کنیم.

گفت دیگر اجازه نخواهیم داد کسانی که در برابر آزادی انسان می‌ایستند، بر سرنوشت شما حاکم باشند.

اما امروز با همان رژیم بر سر میز مذاکره نشسته‌اند و از توافق صلح سخن می‌گویند.

همان مردمی که به امید حمایت آنان به خیابان رفتند و جان باختند، اکنون قربانی یک معامله سیاسی شده‌اند.

درباره تأسیسات هسته‌ای و غنی‌سازی، زبان مباحثات در پیش گرفته شده است.

از راکت‌های دوربرد کمتر سخنی به میان می‌آید.

شبکه‌های نیابتی در خاورمیانه دیگر در مرکز توجه نیستند.

مسئله زنان و آزادی‌های آنان نیز عملاً به حاشیه رانده شده است.

در تنگه هرمز نیز نشانه‌هایی از معامله و تفاهم دیده می‌شود. تفاهمی که در آن فشار و کنترل گذشته خبری نیست.

آنچه باقی مانده، نه وعده‌های پرشور دیروز، بلکه معامله‌ای سیاسی برای رسیدن به هدفی است که ماهیت و سرانجام آن هنوز برای افکار عمومی روشن نیست.

جالب این‌که شب گذشته همان تحلیلگر گرامی را در برنامه «چشم‌انداز» دیدم که از ترامپ سخت خشمگین بود و می‌گفت: «تنها دوست مردم ایران، اسرائیل است. ترامپ هم اسرائیل و هم مردم ایران را فریب داده است. او یک دروغ‌گو است»

با خود گفتم:

«هر که ناموخت از گذشت روزگار،

نیز ناموزد ز هیچ آموزگار.»



[لینک آرشیف: مطالب نشر شده محترم ملک ستیز](#)